غدیر نقطه اشتراک مسلمانان است



حجت الاسلام و المسلمین دکتر حمید شهریاری، بیان کرد: وحدت باید بر محور فرمایشات پیامبر اعظم(ص) و توصیه های نبوی باشد؛ وحدت و تقریب مذاهب اسلامی بر اساس مشترکات شکل می گیرد و باید در اختلافات یکدیگر را معذور بدانیم.

به گزارش روابط عمومی مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی، نشست غدیر محور وحدت اسلامی به همت مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی و انجمن علمی امامت حوزه علمیه در پژوهشگاه مطالعاتی مجمع تقریب برگزار گردید.

حجت الاسلام و المسلمین دکتر حمید شهریاری دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی در این همایش، اظهار داشت: خداوند عالم بعد از اینکه مسائلی را به امت اسلامی واجب می کند، سه توصیه فرمودند: تواصی بالحق، بالصبر و سوم هم تواصی بالمرحمه می باشد؛ این سه توصیه ای است که خداوند عالم به تمام مومنان تکلیف کرده تا در مقابل همدیگر چنین تکلیفی داشته باشیم.

وی ادامه داد: اصولا تفرقه از دیدگاه ما از جایی شروع شد که به توصیه‌های به حق پیامبر اعظم محمد مصطفی(ص) توجه نشد، علی رغم اینکه ما بیانات متعدد داشتیم که در فریقین به ولایت، امامت و خلافت امیرالمومنین ثبت و توصیه شده است.

وی افزود: اما به هر دلیل امت بعد از ایشان مسیر دیگری را طی کرد و همین موجبات تفرقه را فراهم آورد؛ از نگاه ما اعتصام به حبل ا یعنی اعتصام به امیرالمومنین علیه السلام، به ولایت الهی، ولایت نبوی و به ولایت علوی است؛ اگر چنین اعتصامی شکل بگیرد و حقی است که از آسمان آویخته شده است، حتما تفرقه دیگر شکل نخواهد گرفت و وحدت محقق خواهد شد؛ وحدت چیزی است که پیامبر بدان امر کرد و در روایات و آیات متعدد هم به آن اشاره شده است.

دبیرکل مجمع در ادامه با بیان اینکه غدیر نقطه اشتراک مسلمین است اظهار داشت: اشتراکات در اسلام نقطه عطف وحدت است؛ باید بر سر مشترکات با هم تفاهم کنیم و در باب اختلافات هر یک دیگری را معذور بدارد و به اجتهاد خود عمل کند، بالاخره گاهی اوقات راجع به اوصاف الهی که مهم ترین عقیده است اختلاف نظر است و در خیلی از عقائد اصولی و اصلی اختلاف نظر وجود دارد.

وی افزود: دوری از تفرقه و فتنه مهم است؛ لذا حول اشتراکات جمع شویم و پیرامون اختلافات سخن بگوییم؛ رهبر انقلاب نیز اخیرا فرمودند انسجام ملی را حفظ کنیم؛ طرفی در قم و طرفی در سیستان و بلوچستان ، طرفی در کردستان ، همه و همه باید انسجام ملی داشته باشند، بنابراین باید به این نکته توجه داشت که شعار ما این است که مشترکات را اخذ می کنیم و پیرامون اختلافات هرکس به اجتهاد خودش عمل می کند.

دکتر شهریاری در ادامه با بیان اینکه غدیر رویدادی است که همگان پذیرفته اند که رخ داده است؛ گفت: به مانند قرآنی که اکنون در جامعه ی اسلامی است و همه در آن اختلافی ندارند،اصل غدیر نیز بین شیعه و اهل سنت مشترک است؛ مسئله ای که غدیر را با رویدادهای دیگر متفاوت می کند این است که این رویداد یعنی تبیین ولایت امیرالمومنین خیلی زیاد و متواتر گفته شده است.

وی افزود: غدیر موجب وحدت است چون یک امر مشترک بین شیعه و اهل سنت است و در تفسیر آن نباید موجب تفرقه و تنازع و جنگ بشود؛ اصل ولایت میراث ما است و باید این همبستگی را حفظ کنیم و از بیانات و سخنانی که این همبستگی را خدشه دار می کند دوری کنیم، دشمن اصلی آمریکا و اسرائیل است و باید در مقابل دشمن مشترک متحد باشیم؛ امروزفرصت هایی را در جهان اسلام به دست آورده ایم که نباید از دست

داد و با همفکری باید آن را غنیمت شمرد و استفاده کرد.

غدیر نقطه اشتراک مسلمانان است

متن کامل محتوای سخنرانی دکتر حمید شهریاری دبیر کل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی:

سلام علیکم.

أعوذ باﷲ من الشیطان الرجیم بسم اﷲ الرحمن الرحیم الحمد ﷲ رب العالمین و باری الخلائق أجمعین. ثم الصلاة و السلام علی سیدنا ونبینا المحمود الأحمد المصطفی الأمجد حبیب إله العالمین، أبو القاسم المصطفی محمد و علی آله الطیبین الطاهرین و صحبه المنتجبین.

قال اﷲ الحکیم في کتابه الکریم: واعتصموا بحبل اﷲ جمیعًا ولا تفرقوا...

خیر مقدم عرض میکنم خدمت همه مهمانان گرامی به ویژه دوست و برادر عزیز و بزرگوارم جناب آقای سبحانی همچنین از مجری محترم به خاطر توضیحات پیشینشان سپاسگزارم پیش از هر چیز یاد میکنیم از حضرت امام که این فرصت را برای جامعه ایران اسلامی و به خصوص حوزه علمیه قم فراهم ساختند تا در کنار یکدیگر بنشینیم و از اسلام و ولایت سخن بگوییم. نیز یاد میکنیم از همه شهدایی که در راه اسلام جان فشانی کردند تا این امانت به دست ما برسد؛ به ویژه شهدای صدر اسلام و نیز شهدای اخیر در جنگ ۱۲ روزه و جنگ تحمیلی پیشین و همه دانشمندان و نظامیانی که در راه حق جان خود را فدا کردند. همه کسانی که در محور مقاومت استقامت ورزیدند و با صبرشان این امانت را به ما و آیندگان سپردند. امیدواریم خداوند توفیق دهد تا ما نیز امانت دار خوبی برای وظایفی باشیم که بر دوشمان نهاده شده است.

همچنین از همه عزیزان دست اندرکاران و همکاران ارجمندم که این جلسه را برپا کردند تشکر میکنم؛ به ویژه حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای را شدنیا و نیز حجت الاسلام جناب آقای مولایی و تقدیر میکنم از انجمن ولایت و مرکز امامت که زمینه برگزاری این نشست باشکوه را فراهم کردند.

خداوند متعال پس از آنکه مجموعه ای از واجبات را برای همه مسلمانان مقرر میفرماید سه توصیه را نیز بیان میکند که بر همه مؤمنان لازم است یکدیگر را بدان سفارش کنند یکی تواصی به حق دیگری

تواصی به صبر و سوم تواصی به مرحمت این سه توصیه تکلیف مشترک مؤمنان نسبت به یکدیگر است.

در زمینه تواصی به حق و با تأکید بر حوزه ولایت و امامت که محل بحث ماست باید گفت طبق نظر شیعیان تفرقه از آنجا آغاز شد که توصیه های پیامبر اعظم محمد مصطفی صلی ا علیه وآله درباره حق و ولایت آن گونه که باید مورد توجه قرار نگرفت. با آنکه بیانات فراوانی در منابع هر دو فریق ثبت شده بود و بر ولایت امامت و خلافت امیر المؤمنین علیه السلام تأکید شده بود اما امت پس از ایشان مسیر دیگری را برگزید و این خود زمینه ساز تفرقه شد.

در نگاه ما (شیعیان) اعتصام به حبل ا یعنی تمسک به ولایت الهی ولایت نبوی و ولایت علوی اگر چنین اعتصامی در جامعه تحقق می یافت - آن حبل آسمانی که از جانب خدا فرو فرستاده شده است - هرگز تفرقه پدید نمی آمد و وحدت شکل می گرفت. وحدتی که پیامبر به آن امر کرده و آیات و روایات فراوان بر آن دلالت دارند. البته اهل سنت تفسیر خودشان را از وقایع تاریخی و این بخش از آیه شریفه دارند .

اما درباره غدیر نزد ما باید گفت اگر تواصی به حق و ولایت امیر المؤمنین تحقق یافته بود بسیاری از مصائب قرن های گذشته تا امروز رخ نمی داد امت اسلامی میتوانست تحت عصمت و هدایت ایشان از کلمات و رفتارهای ائمه اطهار علیهم السلام بهره مند شود. یک جامعه واحد اسلامی تحت ولایت ایشان شکل میگرفت اما چون این مسیر طی نشد، آن وحدت آسمانی تحقق پیدا نکرد.

اما حالا که آن مسیر وحدت عملی نشد همچنان امر الهی ولا تفرقوا بر عهده همه ماست تفرقه امری ناپسند و برخلاف مصلحت است و امت اسلامی تکلیف دارد که از آن جلوگیری کند همچنان که خود امیرالمؤمنین چنین کردند و ما باید زندگی ۲۵ ساله امیرالمؤمنین علیه السلام را با دقت مطالعه کنیم؛ به ویژه اتفاقاتی که در آن دوران رقم خورد؛ روزگاری که حضرت خانه نشین شدند و ابوبکر سرگرم سرکوب مرتدان و قبائلی بود که پس از وفات پیامبر عهد و تعهدات خود را کنار نهادند.

در دوران پیامبر انسجامی در جامعه اسلامی شبه جزیره ایجاد شده بود اما بلافاصله پس از رحلت ایشان گویی حادثه ای رخ داد که برخی آن را ناشی از عشیره گرایی و قبیله گرایی آن دوران میدانند بسیاری از قبایل که با پیامبر عهد بسته بودند با وفات ایشان گمان کردند عهدشان پایان یافته است؛ زکات و جزیه را قطع کردند تعهدات امنیتی را کنار گذاشتند و حتی مدعیان نبوت پدید آمدند از این رو تمام دو سال و اندی خلافت ابوبکر صرف جنگهای داخلی و بازگرداندن مرتدان شد.

اگر امیر المؤمنین علیه السلام در آن شرایط به صورت مستقیم ورود میکردند با توجه به لشکر نیمه منسجمی که پیرامون ابوبکر درگیر آن جنگها بودند آتش اختلاف شعله ورتر میشد و انسجام جامعه اسلامی از میان میرفت و چه بسا امروز ما مسلمان دیگر مسلمان نمی بودیم تدبیر امیر المؤمنین سکوت ۲۵ ساله ایشان و آن گونه که خود فرمودند آویختن پرده بر در خانه و ولایتشان موجب شد انسجام داخلی حفظ شود قبائل مرتد شکست خوردند سرانشان کشته شدند یا بازگشتند و دوباره زکات و تعهدات خود را پذیرفتند و این همان وضعیتی بود که در اطراف مدینه و میان متعهدان نسبت به مسلمانان رخ داده بود. و ابوبکر با لشکر خود آن را سامان داد.

حال می گوییم چرا غدیر را نقطه اشتراک میدانیم؛ در حالی که شاید در نگاه نخست غدیر محل اختلاف تلقی شود؟ ما عرض میکنیم که در اسلام اصل بر مشترکات است. شما میدانید که هم تقریب» و هم «وحدت» به معنای اتحاد مسلمانان شعاری روشن دارند و آن این است بیایید بر سر مشترکات تفاهم و همکاری کنیم و در باب اختلافات هر کس دیگری را به اجتهاد خودش معذور بدارد.

همان گونه که درون مذهب شیعه نیز اگر اختلافی در فتوا اخلاق یا حتی عقاید اصولی پیش بیاید میگوییم علما اختلاف دارند. در مهمترین مسائل اعتقادی مانند اوصاف الهی سه قول تشبیه و تنزیه و تعطیل یا در مسائلی چون خلق قرآن (قدیم) یا حادث بودن قرآن اختلاف نظر وجود داشته است. اما ما میگوییم مجموعه ای از مشترکات داریم؛ انسجام ملی، دوری از تفرقه و پرهیز از فتنه یعنی همه بر پایه مشترکات هم نشین باشیم و درباره اختلافات نیز گفتگو کنیم بی آنکه این گفتگو به درگیری شقاق و تفرقه ای بینجامد که هیبت جامعه اسلامی را بشکند.

این همان چیزی است که مقام معظم رهبری نیز در توصیه اخیرشان فرمودند انسجام ملی را حفظ کنید انسجام ملی را چه کسی باید حفظ کند؟ ما در قم سیستان و بلوچستان کردستان گلستان و دیگر نقاط کشور همه با اقوام و مذاهب مختلف باید حافظ این انسجام باشیم بنابراین باید توجه داشت که شعار ما این است مشترکات را اخذ میکنیم و هر کس در اختلافات بر اساس اجتهاد خود عمل میکند گفتگو میکنیم حرف حق را نیز میزنیم ما هرگز ادعا نمیکنیم که وحدت یعنی کنار گذاشتن عقاید هیچ گاه عقیده مان را کنار نمیگذاریم ما متعهد به عقایدمان هستیم و تواصی به حق را وظیفه الهی خود میدانیم هر کس عقیده خود را دارد و ما شیعیان باید بگوییم ولایت امیر المؤمنین حق است؛ این باور ماست و هر کس حق را از نگاه خود تبیین میکند این تکلیف الهی اوست.

اما اینکه بر سر این تکلیف اگر حق با باطل در آمیزد و تشخیص دشوار شود نباید به خاطر اینکه من

درست میگویم یا تو گریبان یکدیگر را بگیریم خدایی ناکرده به هم ناسزا بگوییم در شبکه های اجتماعی فحاشی کنیم یا به مقدسات یکدیگر توهین کنیم این کار شرعاً حرام است. اشکال دارد که کسی بخواهد حق را تثبیت کند اما نتیجه اش در جامعه اسلامی تفرقه نزاع، سستی و حتی خطر جنگ داخلی باشد. آنچه حرام است این رفتارهاست نه گفتن حق آن که ما حق خود را بگوییم چه اشکالی دارد؟ آن طرف هم بیاید بگوید چه اشکالی دارد؟ هر کس برهان و دلیل خود را بیان کند چه اشکالی دارد؟ بنشینیم در این جلسات یکی موافق یکی مخالف گفتگو کنیم؛ حتی اگر یک برادر اهل سنت بیاید و نظریه خود را درباره خلافت تبیین کند نباید نگران باشیم از اینکه کسی سخن خود را بیان کند.

چرا غدیر نقطه اشتراک است؟

اما چرا غدیر نقطه اشتراک است؟ زیرا رویدادی تاریخی است که همگان پذیرفته اند که وقوع آن مسلم است. غدیر همچون قرآن بین دفتین است. اکنون آیا کسی در جامعه اسلامی تردید دارد که قرآنی داریم که از «بسم ا» سوره حمد آغاز میشود و به سوره ناس پایان مییابد؟ در اصل وجود قرآن در الفاظ آن در اینکه شش هزار و اندی آیه دارد. کسی اختلاف ندارد. اختلاف بر سر تفسیر است؛ بر سر تحلیل و تبیینی است که از نگاهها و زاویه های مختلف ارائه میشود. اگر به تفاسیر بزرگی چون کشاف زمخشری نگاه کنید میبینید که یک آیه را گاهی با چندین وجه مختلف معنا میکند شاید نظیر او را در میان مفسران کمتر داشته باشیم که این گونه دقیق برداشتهای گوناگون از یک آیه را تحلیل کند توصیه میکنم همه عزیزان این کتاب را در کنار المیزان همیشه همراه داشته باشند.

بنابراین اصل غدیر - همان گونه که مجری محترم و گرداننده اصلی جلسه نیز اشاره کردند یک امر مشترک است؛ حقیقتی است پذیرفته شده میان ما و اهل سنت.

دو رویداد در غدیر رخ داده که آن را از سایر وقایع متمایز میکند تبیین ولایت امیر المؤمنین علیه السلام بسیار نقل شده است.

در خصال» حدیثی دیدم البته سندش نیازمند بررسی بیشتر است که حضرت در خطاب به ابوبکر حقانیت خود را بیان میکنند و می فرمایند این حق از آن من بود تو چرا آن را گرفتی؟ این سخن از نگاه خود امیرالمؤمنین است؛ ما که سخن می گوییم حرف خودمان را نمیزنیم بلکه سخن امیرالمؤمنین علیه السلام را نقل میکنیم در تاریخ نیز آمده که ایشان با این مسئله موافق نبودند. ما اگر شیعه ایم شیعه امیرالمؤمنین هستیم حرفی جز سخن ایشان نداریم ما میگوییم حق با حضرت بوده چون خود ایشان فرموده

اند حق با من است و ما تابع آن هستیم.

در آن نقلها حضرت مجموعه ای از قرابتها و احادیث پیامبر درباره اخوت ولایت و خلافت را که پیامبر طی ده سال مدینه بارها تبیین کرده بودند فهرست وار برای ابوبکر بیان میکنند؛ یکی یکی میپرسند این را نشنیدی؟ آن را نشنیدی؟ و او نیز می گوید: «چرا شنیدم تا آنکه ابوبکر در میانه گفت و گو گریه اش میگیرد این را ما نمی گوییم؛ طبری نقل میکند. این گفته شیعه نیست که ابوبکر گریست؛ طبری در جلد ششم صفحه ۱۱ جلد سوم صفحه ۲۸ و چندین جای دیگر از مجموعه طولانی تاریخش این را گزارش کرده است. حتی در آن نقل خصال آمده که ابوبکر گفت فردا برو مسجد و اعلام کن که من از این تصمیم منصرف شدم و گاه نقل شده است که حتی خود او با امیر المؤمنین بیعت کرد و حضرت نیز با او بیعتی از سر مصالح انجام دادند.

همتای این نقلها در برخی منابع اهل سنت نیز وجود دارد.

اما غدیر تفاوتی اساسی با سایر احادیث دارد. من این نکته را پیشتر نیز گفته ام و به نظرم نکته ای جذاب است: غدیر فقط یک حدیث نیست؛ یک نمایش است. شاید بتوان گفت نخستین منصه و صحنه سازی رسمی در تاریخ اسلام است.

همان گونه که اینجا یک نمایشگاه و سکوی ارائه وجود دارد در غدیر نیز سکویی ساخته شد؛ بار شتران را خالی کردند و از آن سن ساختند. پیامبر اکرم بر فراز آن رفتند دست امیر المؤمنین را بالا بردند. این تنها نقل قول نبود یک صحنه نمایش» بود. یک مستند عینی پیامبر نقش اول این صحنه را ایفا کردند و امیر المؤمنین نقش دوم را و پیامبر بر فراز آن صحنه فرمودند: «من کنت مولاه فهذا علی مولاه».

یعنی غدیر حدیثی همراه با نمایش است؛ یا به تعبیر امروزی یک فیلم حقیقت نما (مستند).

آنچه مایه اختلاف شد تفاسیر بعدی و تحلیل این واقعه است. همان گونه که قرآن نیز چنین است آیات قرآن یکی است اما (گاهی) تفاسیر متعدد دارد. قرآن موجب اختلاف نیست؛ اختلاف در فهم و تبیین آیات است. اصل سخن ما هم همین است. اصل غدیر مایه وحدت است زیرا حادثه ای است که هم شیعه و هم اهل سنت وقوع آن را پذیرفته اند. اختلاف در معنا و تفسیر «ولی» است؛ که آیا به معنای دوست و یاور است یا ولی امر و خلیفه این اختلاف در تفسیر واقعه است، نه در اصل آن.

و ما تأکید میکنیم اختلاف نباید موجب تفرقه شود؛ نباید منجر به نزاع و تنازع گردد؛ نباید به جنگ و شکست جامعه اسلامی بینجامد. این نکته ای است که بر آن پای می فشاریم.

همان طور که همیشه متن تفسیر بردار است عمل نیز تفسیر بردار است. یعنی همان نمایشی که پیامبر اکرم صلی ا علیه و آله در غدیر اجرا کردند قابلیت تفسیر دارد و نیز همان بیانی که فرمودند مانند آیات قرآن دارای برداشتهای مختلف است. بسیاری از آیات قرآن هم چندین تفسیر داشته اند و این طبیعی است. هر گروه تفسیر خود را دارد؛ اما ما شیعیان تفسیری مستقل از خودمان نداریم بلکه تفسیر امیر المؤمنین علیه السلام را پذیرفته ایم و بر آن پایبندیم هر کس هم مایل باشد، در جلسات گفت و گو آماده ایم درباره این موضوع بحث کنیم.

اما این «اما» بسیار مهم است:

ما در کنار این باور تقریب و وحدت را نیز دنبال میکنیم کنفرانس وحدت و دیگر فعالیتهای مشابه را برگزار میکنیم زیرا معتقدیم یکی از الزامات و بلکه شاید اوجب واجبات در زیست اجتماعی امروز کشور ایجاد همبستگی یکپارچگی و انسجام ملی است. باید از این انسجام مراقبت کنیم مراقبت یعنی چه؟ یعنی نباید توهین صورت بگیرد نباید مقدسات طرف مقابل را زیر سوال ببریم نباید تریبون را از او بگیریم اگر فرصتی برای گفت و گو پیدا شد نباید سخنی بگوییم که طرف مقابل را تحریک کند و عواطف او را جریحه دار سازد. این مسیر پله پله است و مجال بیان تمام جزئیاتش الآن نیست.

ما میگوییم این واقعه تفسیر پذیر است؛ هم فعل پیامبر هم نمایش و صحنه ای که ساختند و هم لفظ «مولی» مانند بسیاری از الفاظ قرآن هر کس هم تفسیر خودش را دارد ما هم تفسیرمان روشن است؛ به آن هم ملتزم هستیم.
با این حال معتقدیم این عقاید نباید ابزار ایجاد تنش اجتماعی یا برهم زدن انسجام ملی شود. چرا؟ چون امروز اصل ولایت که میراث امیر المؤمنین علیه السلام است از طریق امام خمینی و رهبر معظم انقلاب به دست ما رسیده و ما متصدی آنیم حفظ این میراث هم یک عرضه و مدیریتی حکیمانه میطلبد اینکه هرچه را هر کجا و هر زمان به زبان بیاوریم، نشانه عرضه داری نیست. سخن حق را باید گفت اما نه در هر موقعیتی خود امیرالمؤمنین فرمودند: لکل مقام مقال ما هم در مختصر و مطول خوانده ایم هر سخنی جای خود را دارد خواندیم که آقا هر حرفی را باید یک جایی زد کسی در یک بازی همبستگی دست بلند کند و یک شعاری بدهد که این شعار تحریک طرف مقابل باشد گرچه حرف حق و درست است. ما نمی گوییم حرف نادرست است. اما هر حرف درستی را هر جایی نباید زد هر جوری نباید زد هر موقعی نباید

زد باید آداب اجتماعی و اصول همبستگی را رعایت کنیم اختلاف کردن هم ادبیات لازم دارد و علما کتاب ادب الاختلاف نوشته اند .

اگر در میدان همبستگی اجتماعی شعاری بدهیم که طرف مقابل را تحریک کند هرچند آن شعار درست باشد، اما گفتن آن در چنین موقعیتی درست نیست امروز هدف ما این است که بگوییم ما با شما دشمنی نداریم؛ دشمن جای دیگری است دشمن آمریکا و اسرائیل مسلمانان نفنگشان را آن طرف بگیرند و ما هرگز به سوی شما (مسلمان) نشانه نمی رویم.

نمونه ای هم عرض کنم همین آقای سدیس بیست سال پیش که در حج بودیم و ایشان در مدینه و مکه نماز میخواند در نماز آیه «إن الذین فرقوا دینهم و کانوا شیعاً را میخواند و کتابه به شیعه میزد. اما پارسال که در کنفرانس وحدت شرکت کرده بود آمد و گفت: «واعتصموا بحبل ا جمیعاً و لا تفرقوا این تغییر است. چرا؟ به چه علت؟ بماند؛ اما تغییر کرده و قدمی رو به جلو برداشته است. دیگر شیعه را تکفیر نمیکنند. امروز میگویند «واعتصموا ما را کنار علمای بزرگشان می نشانند. اینها فرصت های مهمی برای جهان اسلام و برای ماست نباید این فرصت ها را بسوزانیم .

بنابراین هر حرکتی حتی اگر حق باشد اگر در جای خود گفته نشود باعث نقض غرض میشود و ممکن است برای ما دشمن جدید بسازد در حالی که دشمن کم نداریم باید عاقلانه تر رفتار کنیم این فرصتها را باید حفظ کرد.

اگر اجازه بدهید برای چند سؤال هم در خدمت عزیزان باشم و پوزش اگر کمی بیش از حد صحبت کردم.

.... فرمایشات مجری و جناب آقای دکتر سبحانی.....

..... ادامه سخنرانی دکتر شهریاری تبیین راهکارها.....

بسیار سپاسگزارم از جناب آقای دکتر سبحانی نیز تشکر میکنم استفاده کردیم از فرمایشات و نکات ارزشمند ایشان در مقام عمل لازم است نگاهی به خط زمان جامعه اسلامی داشته باشیم ببینیم در طول تاریخ چه رخ داده چگونه آن رویدادها را باید تحلیل کرد و اینکه آیا میتوانیم اقداماتی انجام دهیم که به وحدت منجر شود یا نه.

برای رسیدن به وحدت به معنای انسجام ملی و بین المللی در جامعه اسلامی یک کف حداقلی وجود دارد که پیش تر نیز اشاره کردم این حداقل عبارت است از اینکه

ا به خاطر اختلاف عقیده، جنگی رخ ندهد؛

نزاع خیابانی شکل نگیرد؛

. درگیری شخصی و گریبان گیری ایجاد نشود؛

بدگویی توهین و تعرض کلامی به طرف مقابل و مقدسات او صورت نگیرد.

این چهار امر همگی حرام است. این کف عدم تفرقه است؛ همان ولا تفرقوا که تکلیف قرآنی (امروز) ماست. هر رفتاری که به یکی از این موارد بینجامد رفتاری حرام است. این حداقل تکلیف ماست.

اما سقف وحدت چیست؟

در گفتمان درون مذهبی سقف ما پذیرش ولایت امیر المؤمنین علیه السلام است. از نگاه ما تفسیر «اعتصموا بحبل ا» همان اعتصموا بولایة الالهیة» است؛ یعنی ولایت الهی ولایت پیامبر و ولایت ائمه معصومین علیهم السلام.

اما سؤال این است آیا این سقف تعریف شده از سوی ما از نگاه برون مذهبی هم قابل قبول است؟ درست است؟ امکان پذیر است؟ و اگر امکان پذیر باشد چه آثار و تبعاتی خواهد داشت؟

از نگاه درون دینی ما معتقدیم راه وحدت حقیقی ولایت است؛ اما از نگاه برون مذهبی چطور؟ آیا درست است که به سمت شیعه کردن اهل سنت حرکت کنیم حتی با گفت و گو و روشهای مسالمت آمیز؟ آیا تجربه چنین چیزی را تأیید می کند؟

بر اساس تجربه شخصی من و اکنون درباره کف اجتماعی سخن میگوییم باید شرایط و فضای واقعی جوامع سنی نشین را شناخت واقعیت چیست؟ تا آنجا که من اطلاع دارم بسیاری از اهل سنتی که شیعه شده اند ناچارند تشیع خود را پنهان کنند تا از جامعه خود طرد نشوند. اگر اظهار کنند گاهی مسجدشان از آنان گرفته میشود و از جامعه رانده میشوند. آنچه هم که ما به عنوان موفقیت داشته ایم گسترده نبوده و تأثیر اجتماعی فراگیری ایجاد نکرده است. یعنی تعداد اهل تسننی که بدست ما شیعه شده باشند اندک است بله اگر کسی را هدایت کنیم گویی همه جامعه ای را هدایت کرده ایم ولی ما حکومت اسلامی را در دست داریم مدعی ارائه الگوی عادلانه به جهان هستیم باید ببینیم آیا چنین اقداماتی میتواند تحولی تمدن ساز ایجاد کند؟ آیا این مسیر میتواند الگویی برای دیگر حکومتها ارائه کند؟ باعث تغییر در نظم جهانی شود؟ تجربه تاریخی نشان می دهد که خیر تجربه شیعه شدنهای موردی به دست

ما نیز چنین چیزی را نشان نمی دهد.

از سوی دیگر اهل سنت اگر در حج یا سفرهای مشابه تحت تأثیر قرار بگیرند پس از بازگشت به محیط خود معمولاً تغییر ماندگاری پیدا نمی کنند؛ مگر در سطح و تعداد محدود از علما و پژوهشگران آنها هم اگرچه ممکن است حقایقی را بفهمند فرصت بیان عمومی آن را ندارند زیرا شرایط اجتماعی مانع است.

نکته مهم دیگر رفتار دشمن است. اگر ما متوجه حرکتهای دشمن نباشیم ضربه میخوریم امروز دشمن صریحاً ادعا می کند: ایران پروژه شیعه سازی دارد این را از شش سال تجربه میدانی عرض میکنم دشمن چنین القا میکند که ایران در هر جا حضور می یابد در پی تغییر مذهب اهل سنت است. به خاطر همین سوءظن در گذشته اختلافی جدی بین مرحوم آیت ا تسخیری و قرضاوی ایجاد شد که در نهایت منجر شد به خروج ما از اتحادیه علمای مسلمان جریان چه بود؟ نقل می کردند که قرضاوی پس از مشاهده نصب تصویر (شهید) سید حسن نصرا در الازهر جایی که رسم نبود تصویر کسی نصب شود با این شبهه مواجه شد که چرا الازهر به شیعه گرایش پیدا کرده و چرا او با شیعیان نشست و برخاست دارد همانجا تغییر رویکرد داد و کتابهایی که پیشتر در تقریب نوشته بود ناگهان در خلاف جهت آن نوشت تاکنون نیز اتحادیه علمای مسلمان ما را به عنوان عضو رئیسی اتحادیه نپذیرفته و در این حال ما نیز انگیزه ای برای این عضویت در میان آنان نداریم

اینها تجربه های تاریخی و میدانی است نه تحلیلهای ذهنی و پایتخت نشین بنابراین اگر ما رفتاری داشته باشیم که شبهه شیعه سازی ایجاد کند حتی اگر هدف واقعی چیز دیگری باشد این بازی در زمین دشمن است. این تجربه شش ساله حقیر است.

حال چه باید کرد؟

نکته دوم این که اگر فرد یا نهادی بخواهد به صورت مستقیم پروژه شیعه سازی را دنبال کند این همان بازی در زمین دشمن است. البته این منافات ندارد که ما حقانیت خود را تبیین کنیم گفت و گو کنیم سخن حق بگوییم؛ اما هدف گذاری نباید این باشد که با اقامه ادله خود همه را قانع کنیم و با شیعه سازی به وحدت برسیم این رفتار رفتار صحیحی نیست؛ به اینکه این حرف حق را به همه حالی کنیم همه که حالیشان شد وحدت و تقریب تحقق می یابد. این بازی در زمین دشمن است. حتی ممکن است جواب عکس بدهد و دشمنی درون جهان اسلام را افزون کند.

نکته سوم آنکه شرایط منطقه نیز اقتضا میکند که از رفتارهایی که چنین شبهه ای ایجاد میکند پرهیز کنیم. برخی نهادها و افراد هنوز شیعه سازی را پروژه خود میدانند. ما این را میدانیم اما به نظر بنده این کار خطاست و در زمین دشمن بازی کردن است.

اگر اهل سنت را دعوت کنیم تا سخن بگویند و ما نیز حرف خود را بزنیم و نشان دهیم در جمهوری اسلامی هر کس آزاد است دیدگاهش را مطرح کند این یک نوع هدف گذاری است. اما هدف گذاری دیگری هم هست اینکه بخواهیم عالم سنی را در موضع انفعال قرار دهیم و استدلالهایی بیاوریم که او کم بیاورد این رفتار ممکن است آسیب شخصیتی ایجاد کند. تجربه نشان میدهد که این نوع برخورد آغازگر تفرقه است. آن عالم در جامعه خود محصور میشود یا در منطقه خود واکنشی تندتر بروز میدهد و این دور باطل دوباره تکرار میشود این رفتارها مانند همان تنشهایی است که میان برخی چهره های ورزشی در رسانه رخ میدهد؛ دامنه پیدا میکند و در نهایت میدان را به دست دشمن میدهد.

گام های دیگری نیز هست که مجال بیانش نیست قرار بود ده دقیقه صحبت کنم که بیش از این شد به همین مقدار بسنده می کنم و اگر فرصت باشد مشتاقم به پرسشهای عزیزان پاسخ دهم.

.... صحبت مجری و جناب آقای دکتر سبحانی.....

تأیید و تشکر نهایی دکتر شهریاری

بله من از جناب آقای دکتر علیزاده بابت مدیریت خوب جلسه تشکر میکنم همچنین از جناب آقای سبحانی که قدم رنجه فرمودند و در جلسه حضور یافتند و از همکاران ایشان در مرکز امامت نیز سپاس گزارم از همکاران خودم که تشریف آوردند نیز قدردانی میکنم.

دوست داشتیم چند سؤال به ویژه سؤالات چالشی مطرح شود اما چون زمان ما بسیار محدود است طرح سؤال ممکن است به پاسخی ده دقیقه ای نیاز داشته باشد و عملاً فرصت نداشته باشیم.

درخواست ما از پژوهشگاه این است که برگزاری چنین نشستهایی تداوم پیدا کند. امروز بنده و آقای سبحانی آغازگر بودیم اما ادامه این مسیر میتواند با حضور پژوهشگران دیگر که در این حوزه کار کرده اند از جمله خود جناب آقای علیزاده به عنوان سخنران تکمیل شود. همچنین دوستان عزیز در مجمع تقریب که آثار ارزشمندی در این زمینه دارند میتوانند این مباحث را پی بگیرند.

به نظر من نکاتی که جناب آقای سبحانی فرمودند بسیار مهم و قابل استفاده بود و میتواند مسیری

برای آینده گفت و گوهای علمی در حوزه علمیه قم باشد. اینکه ما از اهل سنت دعوت کنیم تا برای آشنایی و گفت و گو حضور یابند. اقدامی ارزشمند است؛ چرا که ایجاد تفاهم و فهم متقابل راه نفوذ دشمن را میبندد. بخشی از نفوذ دشمن ناشی از جهل و نبود تبیین است. و به نظر من تردید زدایی اقدامی بسیار مؤثر خواهد بود.

در پایان خدمت جناب آقای سبحانی عرض میکنم این سالن را به برکت حضور شما و حضور دوستان به نام امیر المؤمنین (ع) متبرک کردیم امیدواریم ان شاء ا این سالن بتواند هر ماه یک یا دو جلسه با موضوعات مختلف برگزار کند. شاید بتوانیم با هم یا با آقای را شدنیا و دیگر دوستان موضوعات را برنامه ریزی کنیم.